

واژه «نفوذ» سال ها در ادبیات سیاسی ایران، اغلب مفهومی کلی و مبهم داشت؛ اصطلاحی که بیشتر برای منازعات جناحی، هشدار دادن یا مرزبندی سیاسی استفاده می شد. رویداد ۲۴ نوشت؛ اما پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر، این واژه رنگ واقعیت به خود گرفت و مصداق های عینی و نگران کننده ای پیدا کرد. در فاصله ای کوتاه، فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته ای کشور در زمان و مکان هایی مشخص هدف حملات و ترور قرار گرفتند؛ سلسله اقداماتی که نشان می داد طرف مقابل تنها به توان نظامی اکتفا نمی کند، بلکه ا دسترسی دقیق و اطلاعات حساس برخوردار است.

اهمیت موضوع زمانی چند برابر شد که مقامات رسمی اعلام کردند جلسه شورای عالی امنیت ملی، بالاترین نهاد تصمیم گیر امنیتی کشور، هدف حمله موشکی اسرائیل قرار گرفته است؛ سناریویی که حتی در بدبینانه ترین تحلیل ها نیز کمتر تصور می شد. اما پرسش اساسی این است: «نفوذ» دقیقا چه معنایی دارد و ابعاد آن چیست؟ از رخنه در ساختارهای اطلاعاتی و تصمیم سازی، دسترسی به زیرساخت های حیاتی، عملیات سایبری، جذب نیروهای میانی تا تأثیرگذاری بر افکار عمومی، نفوذ امروز یک واقعیت چندلایه است که می تواند سرنوشت امنیت ملی را تغییر دهد.

⚡ اتهام زنی داخلی!

یک تحلیلگر سیاسی اصولگرا، درباره افزایش بحث «خیانت سازی» و نسبت دادن برجسب نفوذ به افراد در فضای داخلی گفت: «این فضا ناشی از زیاده طلبی گروه هاست. برخی تصور می کنند فرصت خوبی برای تخریب رقبای سیاسی فراهم شده، در حالی که اگر منافع ملی برایشان اهمیت داشت، هرگز چنین شیوه هایی را دنبال نمی کردند. عباس سلیمی نمین، گفت: وقتی قبول داریم دشمن متصدد ایجاد ناآرامی در کشور است، باید به انسجام ملی بها بدهیم. اینکه گروه ها به بهانه اختلافات، یکدیگر را عامل دشمن معرفی کنند، رفتاری کاملا غلط و زیان بار است».

سلیمی نمین تصریح کرد: «اگر کسی واقعاً با دشمن ارتباط داشته باشد، تشخیص آن بر عهده نهادهای اطلاعاتی است؛ نه جریانات سیاسی. گروه ها نمی توانند حکم قطعی درباره وابستگی افراد صادر کنند. نهایتاً می توانند نقد فکری داشته باشند، اما حق ندارند برجسب قطعی و رسمی بزنند». وی تأکید کرد: «اگر منافع ملی مبنا باشد، رفتارهای ناشایست سیاسی را شاهد نخواهیم بود. در غیر این صورت، جامعه وارد وضعیت آنارشی می شود که هیچ دستاورد مثبتی ندارد».

⚡ دستور کار دشمن

سلیمی نمین در پاسخ به این سؤال که آیا پس از جنگ ۱۲ روزه، پرونده نفوذ بسته شده است یا همچنان تهدید محسوب می شود، گفت: «بحث نفوذ همیشه در دستور کار دشمن است و هیچگاه از آن غافل نمی شود؛ اما تشخیص مصادیق آن با من و شما نیست. مرجع قانونی دارد و باید همان مرجع اظهار نظر کند. اگر گروه های سیاسی بخواهند مصادیق را تعیین کنند، انسجام جامعه از بین می رود». وی افزود: «دشمن ممکن است عناصر لمین یا افرادی که تعلقی به منافع ملی ندارند را در فضای مجازی به خدمت بگیرد و در ازای انجام کارهایی، وجهی پرداخت کند. این مسأله قابل انکار نیست، اما تعیین مصادیق با نهادهای رسمی است». سلیمی نمین با هشدار نسبت به آثار منفی اتهام زنی های داخلی، گفت: «باید مراقب بود که دشمن نتواند انسجام جامعه را بر هم بزند. اما مهم تر این است که گروه های داخلی با اتهام زنی های بی پایه، فضای جامعه را متشنج نکنند. زیان این رفتار می تواند بسیار بزرگ تر از فعالیت چند عنصر ضعیف باشد که دشمن از آنها بهره می برد».

⚡ تهدید اصلی

سلیمی نمین در پایان تأکید کرد: اتهام زنی بی ضابطه و تخریب جناحی ضربه ای بزرگ تر از نفوذ خارجی است. مراقبت از انسجام ملی وظیفه همه جریان ها و نهادهای کشور است. در واقع، تجربه اخیر نشان می دهد که تهدیدهای امنیتی صرفا محدود به دشمن خارجی نیست؛ تهدید بزرگ تر گاهی از درون و در قالب اتهام زنی های داخلی ظاهر می شود. جامعه ای که در آن گروه ها برای رقابت سیاسی، یکدیگر را عامل دشمن معرفی کنند، خود به بزرگ ترین ابزار تضعیف امنیت ملی تبدیل می شود. بنابراین، تمرکز بر انسجام، اعتماد به نهادهای رسمی و رعایت خطوط قرمز اخلاق سیاسی، مهم ترین راهکار مقابله با نفوذ و حفظ ثبات کشور است.

سید محمود میرلوحی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

«جامعه محوری» راهکار کاهش فاصله حاکمیت و جامعه



جامعه محوری یعنی لولای میان حاکمیت و مردم

آرمان ملی- احسان اسقایی: جریان اصلاحات هم اکنون به دو نظریه در ارتباط با اصلاحات اعتقاد دارد اول اصلاح طلبی جامعه محور. در این معنا که اصلاح طلبان باید میان مردم و حاکمیت قرار گیرند. دوم اصلاح طلبیانی که معتقدند که باید در قدرت حاضر بود و دست به اصلاحات زد. هر دو این نظریه ها یک هدف دارند و آن بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی کشور است. اخیرا یکی از کمیته های جبهه اصلاحات بیانیه ای در ارتباط با حضور در کنار مردم داده که برخی آن را بر خروج از

⚡ آقای میرلوحی جریان اصلاحات در بیانیه هایی که

منتشر می کند بر چرخش به سمت مردم تأکید دارد، مقصود این جریان در این تأکید مکرر که باید در کنار مردم قرار گرفت، چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید به سال های قبل از ۷۶ بازگشت در آن سال ها انقلاب اسلامی با حضور همه جانبه مردم پشتیبانی می شد و تقریبا همه دیدگاه ها در حاکمیت حضور داشتند، از چپ خط امامی گرفته تا راست که نظریات اقتصادی خاصی داشت. جالب این است که در سال های قبل از انقلاب اسلامگرا و کمونیست برحضور همه جانبه مردم در امور کشور تأکید داشتند. در زمان جنگ نیز همه ملت در صحنه حضور داشتند، از دانش آموز تا بازاری، از مسلمان تا مسیحی و از جان مایه می گذاشتند. سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ مردم در انتخابات حاضر شدند و دنبال اصلاحات در مسیر اداره کشور به نفع آبادانی و حقوق شهروندی و... بودند. در ۹۴ و ۹۶ هم مردم به جریان های مختلف رای دادند و قدرت به خواست مردم دست به دست شد اما یک جریان در ابتدای کم و هرچه جلوتر رفتیم بیشتر، اعلام کرد که قدرت برهم دارد و مردم و نمایندگان واقعی آنها نمی توانند در ساختار قدرت نقش داشته باشند. این جریان درباره حضور در قدرت دیدگاه خاصی دارد و از ورود دیدگاه های دیگر جلوگیری می کند. از ۹۸ به این سو این جریان به صراحت و تلویحا اعلام کرد که مردم نمی توانند آنگونه که می خواهند انتخاب کنند و باید در چارچوبی انتخاب کنند که ما انتخاب کرده ایم. در اینجا جریان اصلاحات هم تصمیم گرفت در کنار مردم قرار گیرد و به اصلاح طلبی جامعه محور برای انتقال نظریات مردم تأکید کرد.

⚡ اما جریان اصلاحات هم راهی به قدرت نداشت.

بله؛ اتفاقا به دلیل همین ممنوع بودن حضور اصلاح طلبان با رهبران خود در قدرت بود که این نظریه شکل گرفت. در این معنا که در کنار مردم قرار گیرند و با حضور در کنار مردم و تشویق مردم به شرکت در انتخابات مانع بیرون آمدن افرادی از صندوق ها شوند که آن جریان می خواست تا با بیرون آمدن افراد مورد نظر، قدرت اجرایی و قانون گذاری را در اختیار بگیرد.

⚡ با توجه به اینکه جریان اصلاحات با همین برنامه در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد، آیا می تواند برنامه های خود را جلو ببرد؟

جریان مقابل برای اینکه از حضور اصلاح طلبان در لایه های مدیریتی جلوگیری کند، تا نتوانند خواست مردم را در دولت پیش ببرند و جلو بهبود شرایط سیاسی، اقتصادی و بین المللی را مطابق برنامه های اصلاح طلبان بگیرند، قانونی تنگ نظرانه تر از نظرات استصوابی را برای انتصاب افراد در سمت های مهم تصویب کردند (قانون انتصاب مشاغل خاص) و با این روشن جلو جریان اصلاحات را گرفتند تا در هر نقطه ای که این جریان می خواهد اندیشه های اصلاح طلبانه مورد نظرش را پیاپی دهد، با مانع روبه رو شود. یعنی حتی در اتاق بازرگانی، نظام مهندسی و... با این قانون اجازه نمی دهند نیروهای تحول خواه در امور مختلف حاضر شوند.

⚡ بازتاب این اقدامات در بدنه جریان اصلاحات چیست؟

در اثر چنین اقداماتی که نتیجه ای جز محدود شدن حلقه مدیریت کشور ندارد، جوانان اصلاح طلب بعضا اعلام می کنند که با این اوضاع چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟ جوانان اصلاح طلب سوال می کنند زمانی که ساختار قدرت و مدیریت کشور به روش های مختلف خالص سازی می شود، اصلاح طلبان از

یادداشت

جوان یابی، وظیفه مسئولان است!



امید علی یابایی
فعال حوزه جوانان

یکی از مباحث مورد علاقه و شاید هم دغدغه مسئولان و سیاست گذاران در دولت چهاردهم، همگرایی با جوانان و نشان دادن حسن نیت مسئولان در پیگیری موضوعات جوانان بوده است؛ اما بنا به هر دلیلی، متأسفانه تاکنون هیچ اقدام عملی در راستای ایجاد، گسترش و به نتیجه رسیدن کوتاه مدت و میان مدت جوان گرایی و جوان سازی در بخش های تصمیم گیری و تصمیم سازی نهادها (حتی در لایه های میانی) انجام نشده است. در این بین، تنها متولی رسمی سیاست گذاری و پشتیبان دولتی جوانان، بخش جوانان وزارت ورزش و جوانان است که آن هم سال هاست مشغول فعالیت های تکراری در چند مقوله مثل وام ازدواج، سرباز ماهر و... بوده و فقط با ایجاد تغییر در شکل و ظاهر این موارد، دچار فرسایش عملی شده که البته باید در نظر داشت این سیکل تکراری، نتیجه عدم توجه جدی مسئولان سابق، سیاست گذاران و تدوین گران چارچوب های بخش جوانان این وزارتخانه بوده که باعث شده طی سالیان بعد هم این بخش دچار رکود شود. با همه این تفاسیر و تفاسیل، دو نکته در باب نحوه اجرای جوان گرایی در نهادها و نوع برخورد مسئولان برای گسترش تعامل با جوانان وجود دارد که باید به آن اشاره کرد: ۱- عدم توجه به نسل وای؛ طبق تعریف مرسوم در تمام دنیا، جوانان از دو نسل زد وای تشکیل می شوند که بازه سنی آنان از حدود ۱۵ سالگی تا حدود ۴۵ سالگی است یعنی جوانان، علاوه بر نسل زد، شامل نسل وای یعنی دهه هشتی ها و متولدین نیمه اول دهه هفتاد هم می شوند؛ ولی باتوجه به جنبه تبلیغاتی و نمایشی بودن رفتارهای برخی مسئولان، فقط نسل زد در کانون توجه قرار می گیرد و بدون توجه به نسل وای، از این نسل عبور می شود. البته شاید این بی توجهی از آن جایی نشأت می گیرد که بسیاری از جمعیت نسل وای، باتوجه به شعارهای عمل نشده و رخ های ناشی از عملکرد نامناسب مسئولان، از سیاست و سیاستمداران عبور کرده و به همین دلیل، سرمایه گذاری مسئولان برای اقناع نسل وای، از نظر سیاستمداران، به صرفه نخواهد بود! ۲- جوان یابی ناکارآمد؛ طی ماه های اخیر بارها مشاهده شده که مسئولان در نهادهای مختلف از برگزاری جلسات با جوانان (که البته فقط شامل نسل زد بوده اند) یا ایجاد کارگروه با حضور نسل زد (بدون توجه به نسل وای) سخن گفته اند ولی مشخص نیست که مدعوین این جلسات چگونگی، از کجا و با چه سنجه هایی انتخاب شده اند. برای نمونه، بنده طی مقالات مختلف به عنوان فعال و پژوهشگر حوزه جوانان و یک جوان از نسل وای، به بررسی موارد مختلف و دغدغه های جوانان پرداخته ام، با سنجی ها و مشقت های فراوان، مکاتبات و پیشنهادات خود را به اندکی از مسئولان رسانده ام و مورد تحسین آنان قرار گرفته ام اما هیچگاه به هیچ کدام از جلسات، نه حتی سنجی ها و کارگروه ها دعوت نشده ام! سایر افراد فعال در حوزه جوانان هم به این موضوع اذعان دارند که چنین جوانان حاضر در چنین محافلی، بدون اطلاع رسانی و با معیارهای نامشخص بوده و احتمالا فقط به واسطه یک شناخت دوستانه یا خوشبختی انجام می شود. نکته مهم، همین نحوه جوان یابی ناکارآمد و نگاه بسته مسئولان به جوان یابی فقط از طریق برخی دانشگاه ها و مراکز خاص است؛ با این نوع نگاه، بسیاری از جوانان که تحصیلاتشان در همان دانشگاه های خاص و بسیاری از دانشگاه های دیگر تمام شده، خدمت سربازی را گذرانده و دیگر در دید مستقیم یا غیر مستقیم نیستند باید به محاق بروند! مسئولان باید دقت کنند که جوان یابی وظیفه آنهاست که باید در گستره و پوششی وسیع انجام شود و با تعامل مستمر و اطلاع رسانی های فراوان از جوانان دعوت شود تا نقطه نظرات خود را اعلام کنند و البته از همه مهم تر اینکه خود مسئولان به جوان یابی بپردازند یعنی در انجمن ها، انشربات، فضاهای رسانه ای، محیط های هنری و ورزشی، مراکز علمی و حتی در تاکسی های اینترنتی (البته اگر به جای ماشین های با چراغ چشمک زن و پلاک الف، از تاکسی های اینترنتی استفاده کنند) و... درصدد آن باشند که جوانان صاحب نظر را ببینند و حتی دغدغه یک جوان که دیپلم هم ندارد و از کودکی کار کرده را بشنوند چون شاید استعداد و تجربه ای در آن جوان نهفته باشد که گران بهاتر از سال ها کار آکادمیک باشد.

خبر

مهدی آبتی:

آقای پزشکيان، شماريس جمهور هستيد نه منتقد!

یک فعال سیاسی اصلاح طلب، اظهار داشت: اینکه آقای پزشکيان رئيس جمهوری خیلی قوی نیست جای تردید ندارد. او به جز دوره ای که وزیر بهداشت بود، سابقه اجرایی قابل توجهی ندارد و در عرصه مدیریت سیاسی نیز فعالیت چندانی نداشته است. مهدی آبتی گفت: رئیس جمهور باید فردی جامع شرایط باشد؛ شخصی که هم رویکردی عمل گرا داشته باشد، هم به دیپلماسی و روابط بین الملل آشنای باشد و هم توانایی اداره و مدیریت کلان کشور را دارا باشد. آقای پزشکيان در شرایطی خاص و به شکلی غیرمنتظره رئیس جمهور شد. خودش نیز گفته بود که تصور نمی کرد به ریاست جمهوری برسد و صرفا برای گرم کردن تنور انتخابات وارد رقابت شده بود. برپرسش اینجاست: اگر آقای جلیلی رئیس جمهور می شد، آیا نمی توانست همین کارهایی را که آقای پزشکيان انجام می دهد، انجام دهد؟ کارهای تشریفاتی ملک ارزایی یک رئیس جمهور نیست؛ رئیس جمهور باید قدرت تصمیم گیری بالا، تسلط کامل بر دستگاه اجرایی و اشرفا رفیق بر ارکان اداره کشور داشته باشد. در حالی که آقای پزشکيان بسیاری از مدیران استانی و بدنه کارشناسی دولت رانمی شناسد و وزیرایش نیز عمدتا از سوی دیگران انتخاب شده اند. افزون بر این، او شناخت چندانی از رؤسای جمهور و مقامات کشورهای دیگر ندارد. آقای پزشکيان در اصل پزشک است و اکنون نیز در آن حوزه فعالیت ندارد. او پیش از ریاست جمهوری گفته بود: مشکلات کشور مدیریتی است و ما باید مدیریت را اصلاح کنیم و حالا خود اذعان می کند که نمی دانستم ریاست جمهوری تا این اندازه کار سختی است. وی افزود: فشار آقای پزشکيان بیشتر شبیه یک منتقد است تا یک مدیر اجرایی؛ در حالی که انتقاد باید از بیرون دولت صورت گیرد، نه از سوی شخص رئیس جمهور.

حاکمیت. برای درکنار مردم قرار گرفتن تفسیر کرده اند. در هر صورت جریان اصلاحات به عنوان یک جریان پویای سیاسی در ایران نظریات خود را به جامعه ارائه داده تا بازتاب آن را در جامعه مشاهده کند. به نظر می رسد در آینده نزدیک در بین اصلاح طلبان تحولاتی ایجاد خواهد شد. این تحولات برای پویایی جریان اصلاحات است. «آرمان ملی» در این ارتباط با سید محمود میرلوحی عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

نباید عرصه انتخابات را رها کرد و در عین حال با روش فعلی هم که در نظارت ها متجلی می شود نمی توانند موافق باشند و به انتخابات معنی دار معتقدند. البته اصلاح طلبان به انتخابات آزاد و رقابتی اعتقاد دارند. اما وقتی مدل فعلی انتخابات را نمی توانند به تمامی بپذیرند، با روش هایی سعی دارند در انتخابات اثرگذار باشند مانند انتخابات ۱۴۰۳ که بازی را برای جریان مقابل بهم زدند.

⚡ آیا مردم از این وضعیت خسته نخواهند شد؟ آیا خواهان کناره گیری جریان اصلاحات نمی شوند؟

هر عکس العملی از سوی مردم ممکن است. در برابر جریان اصلاحات که به اصلاح طلبی جامعه محور تأکید دارند جریانی وجود دارد که سعی در شکل دهی به انتخابات دارد و جریان های خارج از ساختار نظام هم هستند که به تغییر رادیکال معتقدند، یعنی همان اپوزیسیون خارج از کشور. به نظر من هر زمانی فرصت ایجاد شده، مردم نشان داده اند که ذائقه آنها چیست و دنبال اصلاحات هستند. در سال های مختلف شاهد بودیم که اعتراضاتی در جامعه رخ داد که آثار ویرانگری برای کشور داشت اما با وجود همه این اعتراضات مشاهده شد که مردم به اصلاح طلبان و نگاه آنها معتقدند و اگر میسر باشد به آنها رای خواهند داد. در زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه هم شاهد بودیم که برخی فکر می کردند بازی تمام است و چون به کشور حمله شده مردم به خیابان ها خواهند آمد و کار جمهوری اسلامی تمام است اما مشاهده کردیم که جامعه در عین اینکه ناراضی است و وضعیت معیشت به شرایط بسیار سختی رسیده و به رغم برخی رفتارها خصوصا زنا زنا و فعالان فرهنگی و دانشجویان، اما نسخه های پرانرژی را نپسندید و به نسخه تسلیم هم رضایت ندادند لذا این جامعه به دنبال آن است که اصلاحات عمیقی در جامعه رخ دهد.

⚡ بیانیه اخیر بیانیه کل جبهه اصلاحات است؟

این بیانیه بر اصلاحات جامعه محور با تعریفی که ارائه شد تأکید کرده هر چند این بیانیه نظریک کمیته از کمیته های جبهه اصلاحات است و مجمع جبهه اصلاحات نیز آن را بررسی نکرده است. بیانیه خوبی است و ارتباطی به خروج از دولت و حاکمیت ندارد و در معنای کنار مردم قرار گرفتن برای رساندن حرف مردم به حاکمیت است.

⚡ برای اصلاح طلبی و اصلاح امور دیگر دیر نشده است؟

قطعا برای برخی امور و برخی اصلاحات زمان از دست رفته و هر روز که بگذرد این اصلاحات به تأخیر می افتد به کشور و مردم ظلم می شود. بعد از جنگ ۱۲ روزه باید به سرعت تغییر شرایط را در دستور کار خود قرار می دادیم. این اقدامات در معنای پذیرش شرایطی است که مردم بتوانند در انتخابات مشارکت کنند و خواسته های مردم مورد پیگیری قرار گیرد، خواسته های مردم هم اکنون بهبود معیشت، رفع تحریم و ارتباط با جهان و قرار گرفتن کشور در مسیر توسعه است. مردم رفع فساد و رانت را می خواهند. همین چند روز قبل شاهد بودیم که یک جوان شناخته شده که گوپاد در مطع دکتر هم قبول شده بود در برابر استخدام در شهرداری یکی از شهرها سدهایی ایجاد شده بود، خب به اتفاقی می افتاد اگر این جوان به رغم اینکه بازداشت هم شده باشد، در ساختار اداری کشور پذیرفته می شد؟ آیا مرگ این جوان هزینه برای کل نظام سیاسی ایران نیست؟ چرا اقتدر تنگ نظر باشیم که راه برای بهبود زندگی جوانان را ببندیم؟

⚡ جوانان اصلاح طلب سوال می کنند زمانی که ساختار قدرت و مدیریت کشور به روش های مختلف خالص سازی می شود، اصلاح طلبان از شرکت در انتخابات به چه نتیجه ای می توانند برسند؟

شرکت در انتخابات به چه نتیجه ای می توانند برسند؟ در برابر این موارد یعنی به وجود آمده که آیا جریان اصلاح طلب قدرت خواه است یا حقیقتا دنبال اصلاحات است؟ برخی رسما اعلام کردند وقتی ما را نمی خواهند باید ما هم عرصه تلاش سیاسی برای حضور در قدرت را به منظور ایجاد اصلاحات به نفع مردم رها کنیم و این در معنای آن بود که ما باید همه چیز را رها کنیم. در برابر عده ای می گفتند که باید از تحولات بزرگ حمایت کرد. در برابر این دو نظریه که عموما از بدنه جریان اصلاحات ارائه می شد، برخی از اصلاح طلبان اصلاحات جامعه محور را ارائه دادند.

⚡ اخیرا یکی از کمیته های جبهه اصلاحات بیانیه ای داده که باید در کنار مردم ایستاد، حال اینکه اکنون اصلاح طلبان در قدرت قرار دارند و چنین بیانیه هایی از سوی برخی به خروج از حاکمیت (دولت) تعبیر شده است.

این بیانیه که توسط یکی از کمیته های جبهه اصلاحات به رشته تحریر درآمده، در واقع تأکید بر اصلاحات جامعه محور است. بر این اساس تأکید می شود که اگر جامعه مدنی تقویت و جامعه قدرتمند شود، همین جامعه می تواند صخره سست را وادار به پذیرش خواست مردم کند و رفته رفته تغییر جبهتی در مسیر کشور ایجاد کند و اجازه ندهد کشتی به صخره بخورد. اصلاح طلبان جامعه محور اعتقاد دارند اگر بتوانیم اندکی از مسیر ای کشتی تغییر ایجاد کنیم که به صخره نخورد، آنگاه سال های بعد فرصت کار و اصلاحات اساسی به وجود می آید. اصلاح طلبان جامعه محور معتقدند با تمام محدودیت هایی که در قدرت ایجاد شده، چه در گذشته با نظارت استصوابی و چه اکنون با قانون انتصاب در مشاغل خاص، نباید جامعه را تنها گذاشت و به عبارت بهتر اصلاح طلبان باید به لولای بین حاکمیت و مردم تبدیل می شوند. هر چند فعالان مورد مورد پذیرش نیست. در برابر این جریان هم بخشی از ساختار قرار دارد، به این دلیل که اصلاح طلبان می گویند فضا باید باز شود و هم برانزدان را در برابر اصلاح طلبان قرار گرفته اند به این خاطر که اصلاحات را از ریشه و از اساس قبول ندارند و آن را مفید نمی دانند. فعلا همگرایی و اشتی صورت نگرفته است، البته آقای خاتمی این پیشنهاد را مطرح کرد که مورد قبول قرار نگرفت. با این همه مشکلات اصلاح طلبان جامعه محور معتقدند که نمی توان و

⚡ شاهد بودیم که اعتراضاتی در جامعه رخ داد که آثار ویرانگری برای کشور داشت، با وجود همه این اعتراضات مشاهده شد که مردم به اصلاح طلبان و نگاه آنها معتقدند و اگر میسر باشد به آنها رای خواهند داد

محمد حسن آصفری:

خود مجلس باید دیانت و سلامت رفتاری خود را حفظ کند

نقش نظارتی و قانون گذاری خود، دنبال مسائل حاشیه ای، جناحی و سیاسی برود، مطمئنا این موضوع به مجلس آسیب می زند، باعث ناامیدی مردم می شود و وقت مجلس را تلف می کند. به جای آنکه مجلس برای حل مشکلات به حواشی صحن علنی مجلس عنوان کرد: مجلس بالاخره اختیاراتی دارد. بخشی از این اختیارات مربوط به هیأت رئیسه است که باید در اولویت بندی طرح ها و لایوای دقت کند و اولویت را به امور مردم بدهد. آصفری گفت: در گام اول، خود مجلس باید دیانت و سلامت رفتاری خود را حفظ کند. جایگاه مجلس به میان مردم ایجاد نمی شود که مجلس پیگیر مطالبات و حل مشکلات آنها نیست.

دیده شود و قوانینی وضع نشود که بدون پشتوانه و کار کارشناسی به مردم تحمیل گردد. باید قوانینی داشته باشیم که امکان اجرای واقعی عملیاتی داشته باشند تا دستگاه ها بتوانند توجه بیشتری به امور مردم نشان دهند. مجلس می تواند با برگزاری جلسات داخلی و اقدامات نظارتی مختلف، در جهت کمک به حل مسائل و مشکلات مردم گام بردارد و دولت را در مسیر حل مشکلات یاری کند. وی با بیان اینکه مقام معظم رهبری نیز بارها در فرمایشات خود به همه ی قوأتاکید کرده اند که قوه مقننه و قضائیه باید قوه مجریه را یاری کنند، گفت: «چرا که این دولت است که در خط مقدم کار و خدمت رسانی به مردم قرار دارد. اگر مجلس به جای ایفای

یک نماینده سابق مجلس درباره عملکرد مجلس دوازدهم گفت: مجلس خانه ای امید مردم است و بایستی نمایندگان مجلس تلاش کنند اما در مردم زنده نگه دارند. مردم وقتی از جایی ناامید نباشند، درد و دغدغه های خود را به نمایندگانشان در مجلس شورای اسلامی منتقل می کنند و مجلس باید برای حل دغدغه های مردم طرح بدهد، برنامه ارائه کند و نظارت داشته باشد تا روزنه روز شاهد کاهش مشکلات و دغدغه های مردم باشیم و بتوانیم التیام بخش مسائل و مشکلات آنان باشیم. محمد حسن آصفری اظهار کرد: مجلس وظیفه دارد در راستای قانون گذاری به گونه ای ریل گذاری کند که سواد و دانش دولت در آن

پشتوانه و کار کارشناسی به مردم تحمیل گردد. باید قوانینی داشته باشیم که امکان اجرای واقعی عملیاتی داشته باشند تا دستگاه ها بتوانند توجه بیشتری به امور مردم نشان دهند. مجلس می تواند با برگزاری جلسات داخلی و اقدامات نظارتی مختلف، در جهت کمک به حل مسائل و مشکلات مردم گام بردارد و دولت را در مسیر حل مشکلات یاری کند. وی با بیان اینکه مقام معظم رهبری نیز بارها در فرمایشات خود به همه ی قوأتاکید کرده اند که قوه مقننه و قضائیه باید قوه مجریه را یاری کنند، گفت: «چرا که این دولت است که در خط مقدم کار و خدمت رسانی به مردم قرار دارد. اگر مجلس به جای ایفای